

نفاق و دورویی صفتی است بسیار قبیح و زشت که انسان شرافتمند هیچ‌گاه متصف به آن نیست؛ چرا که مایه رسوایی و سرافکندگی در این عالم، پیش نزدیکان و آشنایان، و ذلت و عذاب دردناک در آخرت است.

علاج این خصلت ناپسند، در دو مرحله صورت می‌پذیرد: مرحله اول تفکر در مفاسدی که مترتب بر این رذیله است.

مرحله دوم که (اجرای آن) عملی می‌باشد؛ به این صورت است که انسان مدتی با کمال دقت از حرکات و سکنات خود مواظبت کند. بر خلاف خواهش نفس اقدام کرده و اعمال و اقوال خود را در ظاهر و باطن درست کند و ظاهری‌ها را عملاً کنار گذارد، و از خدای متعال در خلال این احوال توفیق طلب کند که او را بر نفس اماره و هواهای آن مسلط کند، و در این اقدام و علاج با او همراهی فرماید. اگر مدتی بدین حال باشد، امید است که نفس صفا پیدا کند و کدورت نفاق و دورویی از او زایل گردد و آئینه قلب و باطنش از این رذیله پاک و پاکیزه گردد و مورد الطاف حق و رحمت ولی نعمت حقیقی گردد.



رحم و مروت شیطان! (محمد حسین حسینی تهرانی، رساله لب الالباب، ص ۷۶)



علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی در کتاب لب الالباب، نقل می‌کند: حاج امام قلی نخجوانی که استاد معارف مرحوم آقا سید حسین قاضی پدر مرحوم میرزا علی آقا قاضی (ره) بود و در نزد مرحوم آقا سید قریش قزوینی (ره) در اخلاقیات و معارف الهیه مراتب استکمال را طی می‌نمود، گفت: پس از آن که به سن پیری رسیدم، دیدم با شیطان در بالای کوهی ایستاده‌ایم، من دست خود را بر محاسن گذارده و به او گفتم: مرا سن پیری و کهولت فرا گرفته، اگر ممکن است از من بگذر. شیطان گفت: این طرف را نگاه کن، وقتی نظر کردم دره‌ای بسیار عمیق دیدم که از شدت خوف و ترس عقل انسان می‌ماند. شیطان گفت: در دل من رحم و مروت و مهر و عطف قرار نگرفته اگر چنگال من بر تو گیر کند و دستم به تو رسد جای تو در ته این دره خواهد بود که تماشا می‌کنی و چنان تو را در آن سرنگون کنم که بند از بندت جدا شده و پیکرت قطعه قطعه شود.

حدیث نفس ۲ (برگرفته از وبلاگ شهید من)

فرازی دیگر از نامه‌هایی که شهید ۱۹ ساله، مصطفی انجم افروز، به خودش می‌نوشت

مصطفی! بالاترین لذتی که می‌توانی در زندگی کسب کنی، سوز و گدازهای عرفانی است؛ نغمه‌های عشق و سرور اشک نیمه‌شب است. آنجاست که به سرمزل باب‌القلوب رسیده، راه مکاشفات بر تو باز می‌شوند و به حریم خانه قدس و ملکوت راه می‌یابی، دیگر دل را به این خانه تار دنیا بند نمی‌کنی و به دنبال حقایق، رهنمون می‌شوی. خودت را از نعمت آه نیمه‌شب، محروم مکن. و بیشترین لذت، در محبت است و نشانه محبت، این است که آنچه را دوست، خوش دارد، انجام بدهی و در آن تعجیل کنی و آنچه را خوش نمی‌دارد، رها کنی؛ چه دوست حقیقی که خدای تبارک و تعالی باشد و چه دوست مجازی؛ نتیجتاً مستحبات را عمل کنی و مکروهات را دوری کنی. مصطفی! همانطور که مولا علی (ع) می‌فرماید:

در زندگی آنچنان باش که مردم پروانه‌وار به دورت بچرخند و در مرگت برایت بگریند. در زندگی، آنچنان باش که گویی تا ابد زنده‌ای و برای آخرت آنچنان باش که گویی لحظه‌ای دیگر زنده نیستی. در مجلسی یا هر جایی اگر بوی غیبت را شنیدی، دوری کن و نشین و اگر می‌توانی، جلوگیری کن. اگر می‌توانی، کار فردایت را به امروزت بگذار ولی کار مربوط به امروزت را به فردا وامگذار. به چیزی (مادیات) دل نبند که اگر از دستت رفت، غم‌دار شوی و بر چیزی که از دستت رفت، غم‌ه مخور.



تواضع انسان را بالا می‌برد (آیت... مجتهدی - ره)

«إِنِّي وَضَعْتُ الرَّفْعَةَ وَالْدَّرَجَةَ فِي التَّوَّاضُعِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي التَّكْبَرِ» (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۳، باب ۱۰۱) ما رفعت و بزرگی را در تواضع قرار دادیم، (ولی) مردم در کبر طلب می‌کنند. تکبر می‌کنند که در میان مردم بالا بروند و آقا بشوند.

امام (علیه السلام) فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ فَقَدْ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ فَقَدْ وَضَعَهُ اللَّهُ» هر که تواضع کند خدا او را بالا می‌برد و هر که تکبر کند خدا او را به زمین می‌زند. یکی قطره باران ز ابری چکید که جایی که دریاست من کیستم چو خود را به چشم حقارت بدید سپهرش به جایی رسانید کار

نسبت به قرائت نماز بعضی از ائمه جماعات که تلفظ حروفی مثل ذال، ضاد و ... را نمی‌توانند فصیح و عربی ادا کنند، چه باید کرد؟ اقتدا به ایشان به خصوص برای کسانی که افصح هستند چه حکمی دارد؟ و آیا ایشان (ائمه جماعات) نسبت به عموم مردم در این خصوص مسئولیتی ندارند؟

رعایت نکات و محسنات تجویدی لازم نیست؛ همین که قرائت او نزد اهل لسان صحیح باشد، اقتدا جایز است و در صورت شک نیز اقتدا صحیح است.